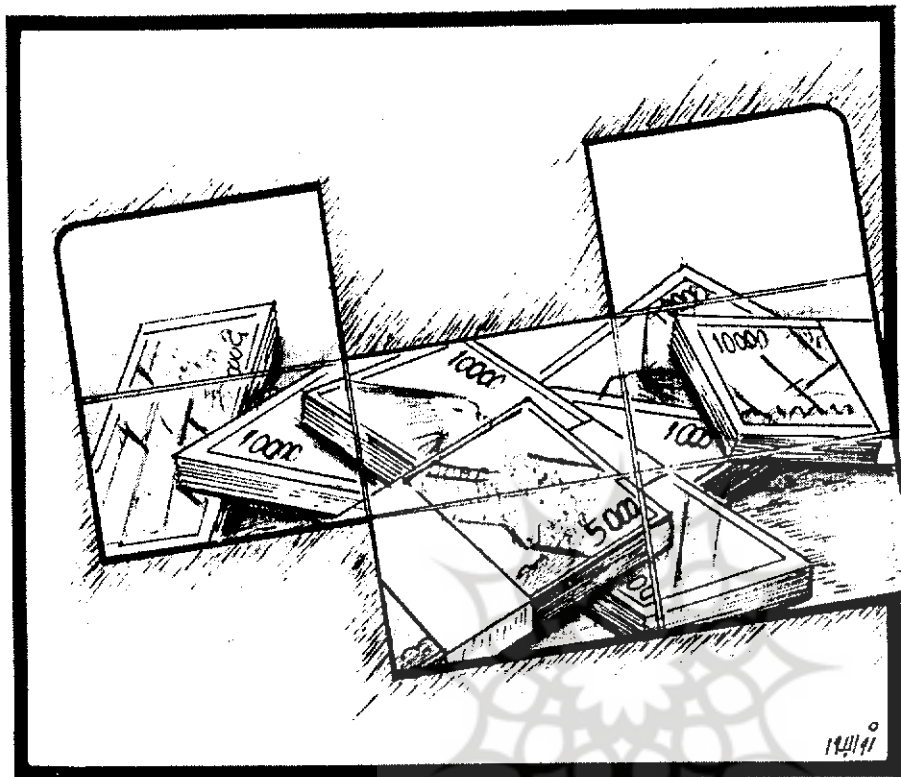


تعزیر مدنی، شیوه تکمیلی جبران خسارت



دکتر سام سوادکوهی فر
(عضو معاون دیوان عالی کشور)

مقدمه:

مسئولیت مدنی که اهتمام به جبران کامل خسارت دارد، شیوه واحدی برای جبران رضایت زیان‌دیده نداشته است. پس از انقلاب اسلامی ایران، نظام حقوقی شاهد تغییراتی در شناخت خسارت و شیوه‌های جبرانی آن بوده است. مسائلی مانند خسارت معنوی و خسارات‌مازاد بر دیه از جمله مهم‌ترین مباحث مورد ابتلای دادگاه‌ها در سال‌های اخیر به شمار می‌روند. اگر در حقوق خارجی بحث خسارت تنبیهی در مسئولیت مدنی وارد شده است و تأثیر اندک آن در حقوق داخلی هم بوده است، مسئله مهم فتوایی از مقام معظم رهبری است که برای جبران کامل خسارت به قاضی اجازه تعزیر می‌دهد تا بر مبنای آن، مسئول خسارت در حق زیان‌دیده ملزم به تأدیه ضرر مازاد بر دیه جنایت گردد. پس از توضیحی راجع به خسارت و شیوه‌های رایج جبران آن،

به ذکر فتوای مذکور خواهیم پرداخت.

۱- خسارت و شیوه‌های جبران

۱-۱) تحقق خسارت: خسارت، شرط مشترک تحقق انواع مختلف مسئولیت مدنی است. اصل (۱۷۱) قانون اساسی، خسارت یا ضرر^(۱) را در دو مورد کلی مطرح کرده است که عبارتند از ضررمادی^(۲) و ضرر معنوی^(۳). منع اضرار به غیر نیز در اصل چهلم قانون

اساسی به این شرح آمده است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». اصل بیست و دوم قانون اساسی، مصادیقی از امور حمایت شده اشخاص را برشمرده و مقرر می‌نماید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

از جمع اصول قانون اساسی، قاعده مهمی که به دست می‌آید این است که در صورت ورود خسارت مادی یا معنوی به اشخاص، هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند مگر در مواردی که قانون تجویز کند. مسئله جبران خسارات در نظر قانون اساسی به درجه‌ای از اهمیت است که خسارتهای قهری و یا خساراتی که به هر علت ممکن است جبران نشده باقی بماند را نیز مورد عنایت قرار داده است. از این رو، اصل (۲۹) قانون اساسی،

از جمع اصول قانون اساسی، قاعده مهمی که به دست می‌آید این است که در صورت ورود خسارت مادی یا معنوی به اشخاص، هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند مگر در مواردی که قانون تجویز کند

و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴. ۱-۳) جبران کامل و عادلانه خسارت: مسئولیت مدنی تنها به جبران کامل خسارت توجه ندارد بلکه سعی در انتخاب راه حل بهتر و مناسب‌تر نیز از وظایف آن است. شیوه‌های جبران خسارت در خسارت مادی، خسارت بدنی (۷) و خسارت معنوی اساساً به جبران

عادی به خسارت معنوی با تردید نگریده و سعی نموده است از به کار بردن آن اجتناب نماید. این امر تا سال ۱۳۷۹ مشهود بوده است. شاید علت آن، پاسخ شورای عالی قضایی در آذرماه ۱۳۶۲ باشد که اعلام نمود: «مطالبه ضرر معنوی فاقد مجوز شرعی است». ماده (۹) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸/۶/۲۸، مصوب کمیسیون امور

دولت را موظف می‌نماید تا چنین خساراتی را از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی جبران کند. تأسیس نهاد بیمه و تأمین اجتماعی از آثار اندیشه جبران کامل خسارت و مسئولیت دولتها در این خصوص می‌باشد. ماده (۱۰) قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسائل نقلیه موتوری در مقابل

قانونگذار عادی به خسارت معنوی با تردید نگریده و سعی نموده است از به کار بردن آن اجتناب نماید. این امر تا سال ۱۳۷۹ مشهود بوده است. شاید علت آن، پاسخ شورای عالی قضایی در آذرماه ۱۳۶۲ باشد که اعلام نمود: «مطالبه ضرر معنوی فاقد مجوز شرعی است»

عینی (۸) یا امحای زیان (الضرر یزال) و جبران قیمی یا پرداخت غرامت (۹) خلاصه می‌شود. نمونه آن چه که هم در بردارنده جبران خسارت و هم مؤید ضرورت انتخاب شیوه‌ای مناسب برای جبران باشد، در قرآن مجید آمده است. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیات شریفه: «و دَاوُدَ وَ سُلَیْمَانَ إِذْ یَحْکُمَانِ فِی الْحَرْبِ إِذْ نَفَسَتْ فِیْهِ غَمِّمَ الْقَوْمِ وَ کُنَّا لِحُکْمِهِمْ شَاهِدِیْنَ. فَفَهَّمْنَاهَا سُلَیْمَانَ وَ کُلَّا ءَاتَيْنَا حُکْمًا وَ عَلِمَا...» ضمن اشاره به اینکه اساس و معیار در حکم، جبران خسارت بوده است، (۱۰) می‌گوید: «هر دو قضاوت به حق و عدل کرده‌اند با این تفاوت که قضاوت سلیمان به طور دقیق‌تر اجرا می‌گردید، زیرا خسارت یکجا پرداخته نمی‌شد بلکه به طور تدریجی ادا می‌گشت به طوری که بر صاحب گوسفندان نیز سنگین نباشد. از این گذشته، تناسبی میان خسارت و جبران بود؛ چرا که ریشه‌های درخت مو از بین نرفته بود و تنها منافع موقت آنها از میان رفته بود. لذا عادلانه‌تر این بود که اصل گوسفندان به ملک صاحب باغ در نیاید... بلکه منافع آن در آید.» (۱۱)

۱-۴) خسارت و ضرر و زیان مازاد بر دیه نزد قضات: یکی از مباحث مهم مراجع قضایی علاوه بر موضوع خسارت معنوی،

قضایی و حقوقی مجلس ذکری از خسارت معنوی، برخلاف بند دوم ماده (۹) آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۰، ندارد و ضرر و زیان قابل مطالبه را به شرح زیر مقرر نموده است:

۱- ضرر و زیان مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.
 ۲- منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود.
 در واقع، به رغم صراحت اصل (۱۷۱) قانون اساسی، مطابق ظاهر ماده (۹) آیین دادرسی کیفری اخیرالتصویب فقط خسارت مادی اعم از عین و منفعت قابل مطالبه دانسته شده است. ضمن این که خسارت ناشی از عدم‌المنفع نیز قابل مطالبه نیست (۵) البته چنین حکمی عمومیت ندارد و در مصوبات قبل و بعد آن مواردی به چشم می‌خورد که حکم خاص داشته و در محدوده خود قابل اعمال است. مقرراتی که در جهت حمایت از حقوق فکری (۶) وضع شده‌اند از این قبیل می‌باشند و نمونه‌هایی از آن عبارتند از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۲/۱۱، ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶

شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷، نمودی از اصل برخورداری از تأمین اجتماعی است. ماده اخیر می‌گوید: «برای جبران زیانهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت بیمه نبودن وسیله نقلیه، تعلیق قرار داد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی برای جبران خسارت‌های خارج از شرایط بیمه‌نامه به استثنای مواد مصرح در ماده (۴)، صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی تأسیس می‌شود که به وسیله شرکت‌های بیمه ایران اداره خواهد شد...» (۴)

بیمه در شرایط کنونی به قدری توسعه یافته است که طرفین آن، مسائل گوناگون را که احتمال ضرر یا خسارت در آن راه داشته باشد را موضوع قرار داد بیمه قرار می‌دهند. در واقع، امکان این که شخص خود را یا متعلقات خود را در قبال خطرات جانی یا مالی به طور صددرصد یا بیش از آن بیمه کرده‌تا در صورت تحقق خسارت، جبران کامل یا چندین برابر خسارت، مطابق پیمانی که منعقد کرده است موجود دارد.

۱-۲) تردید قانونگذار عادی: راجع به خسارت نکاتی قابل ذکر است. قانونگذار

مسئله جبران خسارت مازاد بر دیه است. عده‌ای معتقدند زائد بر دیه جایز نیست. استدلال این گروه به‌طور خلاصه این است که: «...استناد به قانون مسئولیت مدنی و قاعده لاضرر صحیح نیست برای حکم بر مازاد بر دیه، چون مواد (۱ و ۲) آن قانون اجمالاً می‌گوید اگر کسی به جان و مال یا آزادی کسی لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی و معنوی دیگری گردد مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد و دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید و این معنی منافاتی با قانون دیات ندارد؛ زیرا در زمان حکومت قانون مجازات اسلامی، حاکم موظف است در ضرر و زیان و جنایتی که دیه مقدر دارد جانی را مطابق قانون دیات محکوم نماید، در قانون مسئولیت نوع مجازات را تعیین نکرده است. فقط می‌گوید او را به جبران خسارتی که وارد نموده محکوم نماید. بدیهی است در مثل مورد قانون دیات که مؤخرالتصویب است، حاکم بر قانون مسئولیت مدنی است. قاعده لاضرر هم مثل قانون مسئولیت مدنی دادگاه را مکلف می‌کند در جایی که ضرر و صدمه وارده دیه مقدر دارد حکم به پرداخت دیه نماید زائد بر آن و ایراد به این که اگر کل خسارت جبران نشود با عدل

وارده به مجنی علیه استنباط نمی‌شود و با عنایت به این که منظور از خسارت و ضرر و زیان وارده همان خسارت و ضرر و زیان متداول عرفی می‌باشد، لذا مستفاد از مواد (۱ و ۲ و ۳) قانون مسئولیت مدنی بالتفات به قاعده کلی لاضرر و همچنین قاعده تسبیب و اتلاف، لزوم جبران این گونه خسارات بلاشکال است» (۱۴)

از توجه به نظریه اکثریت قضات مشخص می‌شود راه حل انتخابی با تکیه به قواعد موجود است و نیازی به امر قانونگذار هم ندارد، چنان که به اعتقاد برخی آمده است: «اگر واقعاً جاهایی بود و مشخص شد که به مجنی علیه ظلم می‌شود و دیه پرداختی جبران نمی‌کند باید رأی دیگری انتخاب شود و با این راه نمی‌شود چون واقعاً اجتهاد در مقابل نص است. باید از طریق مجلس و تصویب قانونی برای مثل مورد یا با نظر خواهی از مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب قانونی از آن طریق حل مشکل شود...» (۱۵)

۲- فتوای تعزیر برای جبران خسارت مازاد بر دیه
 ۲- ۱) مفاد فتوا: مقام معظم رهبری در فتوایی فرموده‌اند: «جانی اگر چه شرعاً ضامن

ضمن این که با تعزیر کیفری که جنبه عمومی داشته و جریمه و مجازات در حق دولت پرداخت می‌شود، با برخی امور که جنبه تعزیر مدنی دارد و در قانون مدنی نیز دیده می‌شود، هم متفاوت است. بنابراین، ماده (۸۸۰) قانون مدنی که می‌گوید: «قتل از موانع ارث است». بنابراین، کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود، اعم از این که قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا با شرکت دیگری، منصرف از موضوع بحث است؛ زیرا حکم آن در شرع و قانون آمده است و محول به نظر قاضی نمی‌باشد. فتوای فوق از شمول عناوینی همچون ارش، ارش الحکومه و جریمه مالی که در قانون مجازات اسلامی آمده است نیز خارج است. زیرا ارش، ارش الحکومه و جریمه مالی در واقع دیه غیر مقدر (۱۶) محسوب می‌شوند. در مورد جریمه مالی به عنوان مثال ماده (۴۰۷) قانون مزبور می‌گوید: «شکاف (انشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد تعیین جریمه مالی آن با حاکم است». ماده (۴۲۰) قانون مجازات اسلامی نیز مقرر کرده است: «جریمه مالی بریدن کف دست که خلقتاً بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه‌ای بدون انگشت شده است با نظر حاکم تعیین می‌شوند».

مقام معظم رهبری در فتوایی فرموده‌اند: «جانی اگر چه شرعاً ضامن هزینه درمان و خسارت از کار افتادگی مجنی علیه نیست ولی ماکم شرع اگر مقتضی و لازم بداند می‌تواند او را از باب مجازات تعزیری به پرداخت مبالغی در حق مجنی علیه محکوم نماید».

مضافاً این که مطابق ماده (۴۹۵) قانون مذکور: «در کلیه مواردی که به موجب مقررات این قانون، ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت، میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین می‌شود»
 بنابر مراتب فوق، قطع نظر از فتوای مقام

هزینه درمان و خسارت از کار افتادگی مجنی علیه نیست ولی حاکم شرع اگر مقتضی و لازم بداند می‌تواند او را از باب مجازات تعزیری به پرداخت مبالغی در حق مجنی علیه محکوم نماید».
 آنچه در فتوا تحت عنوان مجازات تعزیری پرداخت مبالغی در حق مجنی علیه آمده است،

اسلامی سازش ندارد وارد نیست، زیرا دیه برای تأمین خسارت فقط نیست... (۱۲) اما نظر اکثریت قضات به گونه دیگری است. رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور (شعب حقوقی) (۱۳) چنین است: «... نظر به این که از احکام مربوط به دیات و محتوای مواد قانون راجع به دیات، نفس جبران سایر خسارات

پی نوشت‌ها:

1 _ Le dommage ou prejudice

2 _ Dommage materiel

3 _ Dommage moral

۴ - مطابق مصوبه هیأت وزیران در جلسه مورخ

۸۰/۶/۱۴، سقف تعهدات صندوق تأمین در مورد

خسارتهای بدنی شخص ثالث موضوع ماده (۱۱) آیین‌نامه

صندوق تأمین خسارتهای بدنی مصوب ۱۳۴۸، به چهل

میلیون ریال افزایش یافته است.

۵ - ر.ک به: قسمت اخیر ماده (۲۶۷) و تبصره ۲

ماده (۵۱۵) آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در

امور مدنی مصوب ۱۳۷۹.

6 _ Droit intellectuel

7 _ Dommage corporel

8 _ Reparation en nature

9- Reparation par equivalent

۱۰ - تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۶۷.

۱۱ - همان، ص ۴۶۸.

۱۲ - مذاکرات و آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور

سال ۱۳۷۵، دفتر مطالعات و تحقیقات دیوان عالی کشور،

ص ۱۴۶.

۱۳ - رأی شماره ۶-۴/۵/۱۳۷۵

۱۴ - مذاکرات و آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور،

همان، ص ۱۶۸.

۱۵ - همان، ص ۱۴۶.

۱۶ - مطابق ماده (۳۶۷) ق.ا.م: «هر جنایتی که بر عضو

کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن

تعیین شده باشد، جانی باید ارش بپردازد».

۱۷ - دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی - الزامهای خارج

از قرارداد - ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۹.

جبران خسارت عمومی نداشته و برای جبران خسارت زیان دیده است، برابر دانست. اگر چه خسارات تنبیهی مذکور در ماده، عام و دامنه شمولی گسترده دارد ولی فتوای مقام معظم

معظم رهبری، می‌توان پذیرفت که: «در نظام دیه، تفاوت‌های ناشی از شخصیت زیان دیده و رنج و لطمه‌های روحی و صدمه به سرمایه معنوی او نادیده گرفته شده است» (۱۷)

مطابق قواعد مقرر در قوانین مسئولیت مدنی (ضمان قهری) و

قانون مجازات اسلامی، جبران خسارت مستقیم و قابل انتساب

به فعل زیانبار به عنوان اصلی مسلم مورد پذیرش است

رهبری ظاهراً محدود به هزینه‌های درمان و خسارات از کارافتادگی می‌شود.

۳ - نتیجه

مطابق قواعد مقرر در قوانین مسئولیت مدنی (ضمان قهری) و قوانین مجازات اسلامی، جبران خسارت مستقیم و قابل انتساب به فعل زیانبار به عنوان اصلی مسلم مورد پذیرش است. اکثریت قضات بر مبنای اصول حقوقی و با اتکای به قواعد لاضرر و اتلاف و تسبیب، دامنه جبران خسارت را خاصه در ضرر مدنی گسترش داده‌اند تا خسارات تبعی را نیز در بر گیرد. اقلیت قضات معتقدند که جبران خسارت مازاد بر دیه، فاقد مجوز است و فتوای مقام معظم رهبری شیوه نویسی برای جبران خسارت مدنی در حقوق داخلی به شمار می‌رود. در صورت رسوخ چنین امری در حقوق داخلی، قضات خواهند توانست علاوه بر محکوم نمودن عامل زیان، به جبران خسارت مادی و معنوی، بدون نیاز به تشریفات دادرسی و تقدیم دادخواست، در صورت لزوم و تشخیص اقتضای امر، او را تعزیراً به تأدیه برخی خسارات (مانند هزینه درمان و خسارات از کارافتادگی) در حق مجنی علیه نیز محکوم نمایند.

اگر چه رأی اکثریت قضات، همان گونه که مورد اشاره قرار گرفت، این دیدگاه را تعدیل و علاوه بر خسارتهای مستقیم در مسئولیت مدنی، جبران خسارات را به خسارات تبعی سرایت داده‌اند.

۲ - ۲) تعزیر مدنی در مقررات داخلی: اصلاح خسارت تنبیهی را می‌توان به نوعی با اصطلاح تعزیر مذکور در فتوای مقام رهبری مشابه دانست. ماده واحده قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی مصوب ۱۳۷۹/۸/۱۱، در بند ۳* آورده است: «باتوجه به اصل عمل متقابل، میزان در تقویم خسارات مادی و معنوی زیاندیدگان و در صورت لزوم، خسارات تنبیهی، احکام مشابه صادره از دادگاههای خارجی خواهد بود». این حکم قانونی، به محاکم ایران مجوز اعمال تنبیه یا تعزیر مدنی برای جبران خسارات را ابتدائاً نداده است و شاید نقص آن، همین امر باشد؛ زیرا قاضی ایرانی در مقام اقدام متقابل و به تقلید از نظام حقوقی خارجی اجازه دارد علاوه بر حکم به جبران خسارت مادی و معنوی، خوانده را به خسارت تنبیهی هم محکوم نماید. خسارت تنبیهی را می‌توان به نوعی با تعزیری که جنبه

